

طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس سطح تمایز یافتگی با میانجی‌گیری عملکرد خانوادگی

فریده دوکانه‌ای فرد^۱، ناهید کرمانی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس سطح تمایز یافتگی با میانجی‌گیری عملکرد خانوادگی انجام شد.

روش‌ها: این پژوهش کاربردی با رویکرد کمی می‌باشد و به روش همبستگی انجام شده است. جامعه‌ی آماری شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به ۳۳ مرکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای است و حجم نمونه در این پژوهش ۴۰۰ نفر بود که ۲۰۰ نفر از آن‌ها را مردان و ۲۰۰ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دهند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات عبارت بودند از پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی مک مستر (McMaster Family Assessment Device) FAD، پرسشنامه رضایت ناشویی Enrich و پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI (Differentiation of Self Inventory). برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی Pearson، آزمون رگرسیون چند متغیری و طراحی مدل معادلات ساختاری بود.

یافته‌ها: نتایج مطالعه نشان داد که عملکرد خانوادگی، نقش میانجی در رابطه بین رضایت زناشویی و سطح تمایز یافتگی ایفا می‌کند. عملکرد خانواده توانست به عنوان متغیر میانجی رابطه‌ی بین دو مؤلفه هم‌آمیختگی و جدایی هیجانی با رضایت زناشویی را میانجی‌گری کند. با این حال، عملکرد خانواده توانست به عنوان متغیر میانجی مؤلفه‌های موقعیت من و واکنش هیجانی باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه منجر به ترسیم مدل ساختاری مناسب در تبیین رابطه بین سطوح تمایز یافتگی با رضایت زناشویی با نقش میانجی‌گری عملکرد خانوادگی شد.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی؛ سطح تمایز یافتگی؛ عملکرد خانوادگی

ارجاع: دوکانه‌ای فرد فریده، کرمانی ناهید. طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس سطح تمایز یافتگی

با میانجی‌گیری عملکرد خانوادگی. مجله دانشکده پزشکی اصفهان ۱۴۰۳؛ ۴۲ (۷۸۱): ۷۴۹-۷۵۸.

مقدمه

پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که از جمله ویژگی‌های شخصیتی که با رضایت زناشویی در ارتباط می‌باشد، تمایز یافتگی است و بسیاری از تحقیقات، تمایز یافتگی را به عنوان پیش‌بینی کننده‌ی کیفیت روابط زناشویی و رضایت زناشویی مطرح می‌کنند (۳).

مشخص شده است که تمایز یافتگی رابطه‌ی مثبتی با رضایت زناشویی و سلامت روان دارد. تمایز یافتگی خود پایه‌ی نظریه‌ی Bowen است و به توانایی شخص برای تجربه کردن صمیمیت با دیگران و باقی ماندن در جو عاطفی همراه با حفظ استقلال خود اشاره دارد. افراد تمایز یافته می‌توانند روابط سالمی را با دیگران برقرار کنند.

رابطه‌ی زناشویی به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین رابطه‌ی انسان توصیف شده است، زیرا ساختاری اولیه را برای بنا نهادن رابطه‌ی خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده فراهم می‌سازد. در این میان، یکی از جنبه‌های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه‌ی خویش احساس و تجربه می‌کنند. در واقع رضایت زناشویی یک جنبه‌ی بسیار مهم و پیچیده از یک رابطه‌ی زناشویی است (۱). رضایت زناشویی، نقش مهمی در حفظ تعادل در زندگی و جو عاطفی و عملکرد خوب در زندگی دارد و بر سلامت روانی و جسمی، رضایت از زندگی، موفقیت در شغل و روابط اجتماعی تأثیرگذار است (۲).

۱- استادیار، گروه مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

۲- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

نویسنده‌ی مسؤو: ناهید کرمانی؛ دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران

از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین ارکانی که محققان به دلیل نقش‌ها و عملکردهای متنوع و پراهمیتش، بر آن متمرکز شده‌اند، خانواده است (۱۲). خانواده که هسته اصلی جامعه می‌باشد با برقراری رابطه‌ی زناشویی تشکیل می‌شود، بنابراین خانواده و جامعه‌ی سالم وابسته به روابط زناشویی موفق است (۱۳). یکی از عوامل مؤثر در عملکرد خانواده، رضایت زناشویی است. در واقع رضایت زناشویی، نگرش مثبت و لذت‌بخش زن و شوهر نسبت به جنبه‌های مختلف ازدواج خود است. رضایت از زندگی زناشویی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عناصر است که هیچ یک از آن‌ها به تنهایی برای داشتن احساس رضایتمندی کافی نیستند (۱۴). رضایت زناشویی به سطح مطلوبیت کلی که همسر فرد از روابط زناشویی‌شان گزارش می‌کند، اشاره دارد (۱۵).

با توجه به مباحث مطرح شده، چنین به نظر می‌رسد که تمایز یافتگی با رضایت زناشویی در زوجین ارتباط دارند و می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان رضایت زناشویی باشند اما با این وجود، چندان مشخص نیست که این عامل و مؤلفه‌های آن چگونه تعامل می‌کنند و بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارند. همچنین، چندان مشخص نیست که اگر عملکرد خانوادگی در این زمینه به عنوان متغیر میانجی گر مطرح شود، چه نقشی در این معادله خواهد داشت (۳، ۴). بنابراین، نظریه‌ی واحدی که این عوامل را با یکدیگر ترکیب کند، وجود ندارد و پژوهشی که به بررسی روابط بین این متغیرها در قالب یک مدل پرداخته باشد، وجود ندارد. از آنجا که عملکرد مطلوب خانواده تأثیر مستقیمی بر نیازها، اهداف، روابط عاطفی خانواده و رضایتمندی از زندگی داشته و عملکرد خانواده باید به گونه‌ای باشد که زوجین از روابط میان خود احساس رضایت کنند در پژوهش حاضر به ارائه‌ی یک مدل ساختاری جهت پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس سطح تمایز یافتگی با نقش میانجی‌گیری عملکرد خانواده پرداخته شده است.

روش‌ها

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی با رویکرد کمی می‌باشد که به روش همبستگی انجام شده است. با توجه به هدف پژوهش که یافتن مدل پیش‌بینی و مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم میان متغیرهای پژوهش می‌باشد، طرح از نوع همبستگی با تحلیل‌های رگرسیونی است. به منظور دستیابی به مسیرهای علی که در رضایت زناشویی نقش دارند، از روش معادلات ساختاری استفاده شده است. جامعه‌ی آماری شامل تمامی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۹۵ - ۱۳۹۴ می‌باشد که در مجموع آموزش و پرورش تهران به تعداد ۲۳ مرکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان دارد. شرایط شرکت در پژوهش علاوه بر رضایت داوطلب، رده‌ی سنی

احساسات و هیجانات خود را کنترل نمایند، هویت خود را حفظ نمایند و به طور مستقل فکر کنند، احساس کنند و عمل نمایند (۴).

مفهوم تمایز یافتگی، شامل چهار مؤلفه‌ی اصلی می‌باشد، واکنش‌پذیری هیجانی، حالتی است که در آن احساسات بر عقل و منطق غلبه دارد. در این حالت فرد بر اساس واکنش‌های عاطفی و هیجانانش تصمیم می‌گیرد. موقعیت من به معنای داشتن عقاید و باورهای مشخص در زندگی است. هم‌آمیختگی با دیگران یعنی ناتوانی در حفظ عقاید و اگر در حضور دیگران می‌باشد؛ افراد هم‌آمیخته، تحت تأثیر سیستم عاطفی محیط و واکنش دیگران رفتار می‌کنند (۵). گسلس عاطفی زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند؛ در حالی که افراد تمایز یافته ضرورتی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند. این گونه افراد از هویتی محکم برخوردارند؛ افراد تمایز نیافته روی هم رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می‌شوند؛ در حالی که افرادی که به خوبی تمایز یافته‌اند قادرند خود تعریف شده‌شان را حفظ کنند (۶).

Bowen، معتقد است سطح تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدأ رشد می‌کند و به شدت تحت تأثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خود قرار دارد و در زندگی آینده‌ی فرد اثر می‌گذارد. او معتقد است که افراد با الگوهای از سبک زندگی و سطح تمایز که در خانواده مبدأ رشد یافته وارد زندگی زناشویی می‌شوند. در این میان، زوجینی که تمایز یافتگی پایینی دارند، به میزان کمتری می‌توانند بفهمند که چه نیازهایی دارند و انتظاراتی از طرف مقابل دارند تا بتوانند رابطه‌ی مطلوبی داشته باشند که این امر نهایتاً منجر به کاهش رضایت زناشویی می‌شود. در مقابل زوجینی که تمایز یافتگی بالایی دارند، به نحو بهتری می‌توانند بر موانع و مشکلات در طی رابطه‌شان غلبه کنند و در نتیجه رضایت زناشویی بالایی دارند (۴، ۸، ۹).

در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تحمل کنند. به سخن دیگر، برای این که مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ نمایند (۱۰). افراد با تمایز یافتگی پایین در تعارض‌های زناشویی در ارتباط با زوج، اضطراب را جذب می‌کنند و واکنش‌های هیجانی یا جدایی هیجانی نشان می‌دهند.

در پژوهش Skowron، تمایز یافتگی با کیفیت زندگی زناشویی رابطه داشته و از بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی، جدایی هیجانی و واکنش هیجانی، پیش‌بینی‌کننده‌ی اختلاف زناشویی بوده‌اند (۱۱).

۲۰ تا ۶۰ سال و بالاتر، حداقل تحصیلات دیپلم، عدم سابقه‌ی دریافت زوج‌درمانی و گذشتن حداقل دو سال از مدت تأهل بود. در صورت عدم تمایل به شرکت در مطالعه مراجعه‌کنندگان از مطالعه خارج شدند. Giles، حجم نمونه‌ی قابل قبول برای انجام تحقیقات همبستگی را ۱۵ تا ۲۰ نفر برای هر رابطه‌ی همبستگی، پیشنهاد داده است (۱۶). از آنجا که در پژوهش حاضر، ۶ رابطه‌ی همبستگی مورد بررسی قرار گرفت، ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر مرد و ۲۰۰ نفر زن) که به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، حکایت از حجم کافی برای نمونه‌ی منتخب دارد. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای است. به این دلیل از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد که مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران، در مناطق مختلف شهر پراکنده هستند. واحد خوشه‌بندی ما برای نمونه‌گیری، نواحی و مناطق شهری بود. نحوه‌ی انتخاب نمونه‌های تحقیق بدین صورت است که ابتدا از بین مناطق شهر تهران، از شمال، جنوب، شرق و غرب تهران، چهار منطقه انتخاب شد و سپس از بین این مناطق، مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش انتخاب گردید. طبق روش نمونه‌گیری خوشه‌بندی، از شمال تهران منطقه‌ی ۲، از شرق تهران منطقه‌ی ۱۳، از جنوب تهران منطقه‌ی ۱۶ و از غرب تهران منطقه‌ی ۲۱ به عنوان مناطق جهت انتخاب مراکز مشاوره انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی (FAD) (McMaster Family Assessment Device)، پرسشنامه‌ی رضایت ناشویی Enrich و پرسشنامه‌ی تمایزیافتگی خود (Differentiation of Self Inventory) (DSI). پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی McMaster دارای ۵۳ گویه می‌باشد و برای سنجیدن عملکرد خانواده بر اساس نظریه‌ی الگوی McMaster، تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط Epstein و همکاران با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه گردید و توانایی خانواده را در سازش با خود، وظایف خانوادگی و با یک مقیاس خود گزارش‌دهی، مورد سنجش قرار داد. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه شامل: (۱) ارتباط، (۲) آمیزش عاطفی، (۳) ایفای نقش، (۴) عملکرد کلی، (۵) حل مشکل و (۶) همراهی عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد (۱۷).

در این پرسشنامه، آزمودنی‌ها با خواندن هر عبارت، میزان هماهنگی خصوصیات توصیف شده با خانواده‌ی خود را بر روی مقیاس چهار طبقه‌ای لیکرت و بصورت کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم، مشخص می‌کنند. به هر سؤال نمره‌ی ۴-۱ تعلق گرفته و عباراتی که توصیف‌کننده‌ی عملکرد ناسالم هستند، نمره‌ی

معکوس می‌گیرند. بر این اساس، نمره‌ی بالا نشان دهنده‌ی عملکرد سالم و نمرات پایین، نشان‌دهنده‌ی عملکرد مختلف خانواده است. روایی این پرسشنامه توسط Lookzadeh و همکاران، ۰/۸۱ و پایایی آن نیز در این پژوهش ۰/۷۸ گزارش شد که مورد تأیید می‌باشد (۱۸). پرسشنامه رضایت زناشویی Enrich به شکل ۱۱۵ سؤالی و نیز ۱۲۵ سؤالی وجود دارد. در ایران، فرم کوتاه آزمون با ۴۷ پرسش مورد هنجاریابی قرار گرفته است. در مطالعه‌ی فعلی از نسخه‌ی ۴۷ سؤالی آن استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۱۲ خرده مقیاس است که عبارتند از: پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت‌های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، بستگان و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری عقیدتی ساخته شده است. این پرسشنامه در قالب مقیاس لیکرتی پنج درجه‌ای تنظیم شده و تفسیر نمره‌گذاری بدین شرح است که ابتدا باید نمره‌ی خام به نمره‌ی استاندارد ۴ تبدیل شود. تفسیر نمره بدین شرح است که نمره‌های کمتر از ۳۰ نشانگر نارضایتی شدید همسران از روابط زناشویی است. نمره‌های بین ۳۰ تا ۴۰ نشانگر عدم رضایت از روابط زناشویی همسران و نمره‌های بین ۴۰ تا ۶۰ نشانگر رضایت نسبی و متوسط از روابط زناشویی همسران می‌باشد. نمره‌های بین ۶۰ تا ۷۰ نشانگر رضایت زیاد همسران از روابط زناشویی و نمره‌های بالاتر از ۷۰ نشانگر رضایت فوق‌العاده از روابط زناشویی بین همسران است. روایی این پرسشنامه توسط بیرامی ۰/۷۳ گزارش گردید و پایایی آن در این پژوهش، ۰/۷۶ گزارش شده است (۱۹).

پرسشنامه تمایزیافتگی خود (Differentiation of Self Inventory) (DSI) توسط Skowron و Friedlander در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۴۵ گویه است که سؤالات مربوط به افکار و احساسات افراد درباره‌ی خودشان و ارتباط آنها با دیگران مطرح گردیده است. سؤالات پرسشنامه به صورت مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۶، مقیاس‌بندی شده‌اند. نمره‌گذاری پرسشنامه به این صورت است که «ابتدا در مورد من صحیح نیست»، عدد ۱ تا «کاملاً در مورد من صحیح است»، عدد ۶ می‌باشد. به هر سؤال نمره‌ای بین ۱ تا ۶ تعلق می‌گیرد. به این صورت که به گزینه‌ی ۱ نمره‌ی ۱ و به گزینه‌ی ۶ نمره‌ی ۶ داده می‌شود. حداکثر نمره‌ی پرسشنامه ۲۷۶ و سؤال‌ها نمره‌گذاری معکوس نیز دارند که در جدول سؤالات مشخص شده است. نمره‌ی کمتر در این پرسشنامه نشان‌دهنده‌ی سطوح پایین‌تر تمایزیافتگی است. تفسیر نمره‌گذاری به این شرح است که نمره‌ی بین ۴۶ تا ۱۱۵ یعنی میزان تمایزیافتگی فرد پایین است. نمره‌ی بین ۱۱۵ تا ۱۶۱ یعنی میزان تمایزیافتگی فرد متوسط است. نمره بالاتر از ۱۶۱ یعنی میزان تمایزیافتگی فرد بالا است (۲۰).

۲۰ تا ۶۰ سال و بالاتر، حداقل تحصیلات دیپلم، عدم سابقه‌ی دریافت زوج‌درمانی و گذشتن حداقل دو سال از مدت تأهل بود. در صورت عدم تمایل به شرکت در مطالعه مراجعه‌کنندگان از مطالعه خارج شدند. Giles، حجم نمونه‌ی قابل قبول برای انجام تحقیقات همبستگی را ۱۵ تا ۲۰ نفر برای هر رابطه‌ی همبستگی، پیشنهاد داده است (۱۶). از آنجا که در پژوهش حاضر، ۶ رابطه‌ی همبستگی مورد بررسی قرار گرفت، ۴۰۰ نفر (۲۰۰ نفر مرد و ۲۰۰ نفر زن) که به‌صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، حکایت از حجم کافی برای نمونه‌ی منتخب دارد. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای است. به این دلیل از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد که مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران، در مناطق مختلف شهر پراکنده هستند. واحد خوشه‌بندی ما برای نمونه‌گیری، نواحی و مناطق شهری بود. نحوه‌ی انتخاب نمونه‌های تحقیق بدین صورت است که ابتدا از بین مناطق شهر تهران، از شمال، جنوب، شرق و غرب تهران، چهار منطقه انتخاب شد و سپس از بین این مناطق، مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش انتخاب گردید. طبق روش نمونه‌گیری خوشه‌بندی، از شمال تهران منطقه‌ی ۲، از شرق تهران منطقه‌ی ۱۳، از جنوب تهران منطقه‌ی ۱۶ و از غرب تهران منطقه‌ی ۲۱ به عنوان مناطق جهت انتخاب مراکز مشاوره انتخاب شدند.

ابزار اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی (FAD) (McMaster Family Assessment Device)، پرسشنامه‌ی رضایت ناشویی Enrich و پرسشنامه‌ی تمایزیافتگی خود (Differentiation of Self Inventory) (DSI). پرسشنامه‌ی سنجش عملکرد خانواده بر مبنای الگوی McMaster دارای ۵۳ گویه می‌باشد و برای سنجیدن عملکرد خانواده بر اساس نظریه‌ی الگوی McMaster، تدوین شده است. این ابزار در سال ۱۹۸۳ توسط Epstein و همکاران با هدف توصیف ویژگی‌های سازمانی و ساختاری خانواده تهیه گردید و توانایی خانواده را در سازش با خود، وظایف خانوادگی و با یک مقیاس خود گزارش‌دهی، مورد سنجش قرار داد. خرده مقیاس‌های این پرسشنامه شامل: (۱) ارتباط، (۲) آمیزش عاطفی، (۳) ایفای نقش، (۴) عملکرد کلی، (۵) حل مشکل و (۶) همراهی عاطفی و کنترل رفتار می‌باشد (۱۷).

در این پرسشنامه، آزمودنی‌ها با خواندن هر عبارت، میزان هماهنگی خصوصیات توصیف شده با خانواده‌ی خود را بر روی مقیاس چهار طبقه‌ای لیکرت و بصورت کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم، مشخص می‌کنند. به هر سؤال نمره‌ی ۴-۱ تعلق گرفته و عباراتی که توصیف‌کننده‌ی عملکرد ناسالم هستند، نمره‌ی

در جدول ۲ میانگین، انحراف معیار و سایر نمرات توصیفی شرکت‌کنندگان در متغیر رضایت زناشویی، سطح تمایز یافتگی و عملکرد خانوادگی نشان داده شده است.

همانطور که در نتایج توصیفی متغیر رضایت زناشویی قابل مشاهده است، میانگین اکثر ابعاد رضایت زناشویی نزدیک به هم می‌باشد و تفاوت خیلی قابل توجهی در میانگین نمرات مشاهده می‌شود. هرچند نمره میانگین بعد موضوعات شخصیتی (۱۶/۲۶) بیشتر از سایر ابعاد رضایت زناشویی می‌باشد. در رابطه با متغیر تمایز یافتگی، نتایج نشان می‌دهد که نمره میانگین بعد موقعیت من (۳۱/۶۲) بیشتر از دیگر ابعاد تمایز یافتگی است. در رابطه با متغیر عملکرد خانواده، نمره میانگین ایفای نقش (۱۸/۵۰) بیشتر از سایر ابعاد عملکرد خانواده می‌باشد.

در جدول ۳ ماتریس همبستگی ترسیم شده تا در صورت وجود ارتباط معنی‌دار بین متغیرها، به تعیین ضریب تأثیر آنها بپردازیم. با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۳ درمی‌یابیم که رابطه‌ی بین تمام متغیرهای میانجی و پیش‌بین با ابعاد و نمره‌ی کل رضایت زناشویی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

در جدول ۴ نتیجه آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی عملکرد خانواده در ارتباط بین تمایز یافتگی با رضایت زناشویی گزارش شده است. مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول ۴ مشخص گردید که عملکرد خانوادگی نقش میانجی‌گرانه معنی‌داری در ارتباط بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی دارد ($P < 0.01$, $B = 0.012$).

در بررسی سهم نمره‌ی کل تمایز یافتگی زوج‌ها در پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین با نقش میانجی عملکرد خانوادگی مورد بررسی قرار گرفت. با این حال، تأثیر مؤلفه‌های تمایز یافتگی به علت مکنون در نظر گرفتن این متغیر مورد توجه نبود. در این سؤال پژوهشگر مدل ساختاری دیگری را با در نظر گرفتن ابعاد تمایز یافتگی در مدل ارتباط بین ابعاد یا مؤلفه‌های تمایز یافتگی با رضایت زناشویی و با در نظر گرفتن نقش میانجی عملکرد خانوادگی مورد تحلیل قرار داد (شکل ۱).

در جدول ۵، ضرایب مسیر مستقیم برآورد شده و سطوح معنی‌داری مرتبط برای مدل ساختاری ارائه شده در شکل ۱ آورده شده است.

مطابق با یافته‌های گزارش شده در جدول ۵ مشخص گردید که مؤلفه‌ی هم‌آمیختگی، تأثیر مستقیمی بر رضایت زناشویی ندارد؛ با این حال این متغیر بر روی عملکرد خانوادگی تأثیر مستقیم معنی‌داری دارد ($P < 0.01$, $B = 0.019$). مؤلفه‌ی جدایی هیجانی نیز تأثیر مستقیم معنی‌داری بر روی رضایت زناشویی ندارد ولی بر روی عملکرد خانواده تأثیر مستقیم و معنی‌دار دارد ($P < 0.01$, $B = 0.206$).

این پرسشنامه شامل چهار مؤلفه می‌باشد که عبارتند از: ۱- واکنش‌پذیری عاطفی (۱۱ سؤال)؛ ۲- جایگاه من (۱۱ سؤال)؛ ۳- گریز عاطفی (۱۲ سؤال) و ۴- هم‌آمیختگی با دیگران (۱۲ سؤال) است. روایی این پرسشنامه توسط اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) تأیید شده و پایایی آن ۰/۷۸ گزارش شده است.

برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در قسمت آمار توصیفی از شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی شامل فراوانی، فراوانی درصدی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. در راستای تحلیل‌های استنباطی و آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از آزمون همبستگی Pearson و آزمون آماری رگرسیون چند متغیری استفاده شد. همچنین به منظور طراحی یک مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی رضایت زناشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهر تهران از روش معادلات ساختاری و شیوه‌ی آماری تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد.

یافته‌ها

در این بخش، ابتدا یافته‌های توصیفی و شاخص‌های دموگرافیک گزارش می‌شود و سپس نتایج آزمون فرضیات گزارش می‌گردد. در جدول ۱ توزیع فراوانی جنسیت، مدرک تحصیلی و سن شرکت‌کنندگان در مطالعه گزارش شده است.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به شاخص‌های دموگرافیک

شرکت‌کنندگان پژوهش

متغیر	طبقه‌بندی	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۲۰۰	۵۰
	مرد	۲۰۰	۵۰
مدرک تحصیلی	کل	۴۰۰	۱۰۰
	دیپلم	۲۱	۵/۲۵
	فوق دیپلم	۳۶	۹
	لیسانس	۲۵۱	۶۲/۷۵
	فوق لیسانس	۹۱	۲۲/۷۵
سن	دکتری	۱	۰/۲۵
	کل	۳۸۵	۱۰۰
	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۲۵	۳۱/۲۵
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۸۹	۴۷/۲۵
	۴۱ تا ۵۰ سال	۷۰	۱۷/۵
	۵۱ تا ۶۰ سال	۱۴	۳/۵
کل	۶۰ سال به بالا	۲	۰/۵
	کل	۴۰۰	۱۰۰

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای رضایت زناشویی، تمایز یافتگی و عملکرد خانواده

متغیر	ابعاد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
رضایت زناشویی	موضوعات شخصیتی	۴۰۰	۵	۲۵	۱۶/۲۶	۴/۶۰
	ارتباط زناشویی	۴۰۰	۶	۲۵	۱۴/۶۴	۳/۶۲
	حل تعارض	۴۰۰	۵	۲۶	۱۵/۴۵	۴/۴۴
	مدیریت مالی	۴۰۰	۷	۲۵	۱۵/۳۸	۳/۷۰
	اوقات فراغت	۴۰۰	۶	۲۵	۱۴/۹۰	۴/۵۱
	رابطه جنسی	۴۰۰	۶	۲۶	۱۵/۳۷	۴/۱۴
	ازدواج و فرزندان	۴۰۰	۵	۲۶	۱۵/۱۶	۴/۰۵
	اقوام و دوستان	۴۰۰	۵	۲۸	۱۵/۸۸	۴/۲۰
	جهت‌گیری مذهبی	۴۰۰	۵	۲۵	۱۴/۷۵	۳/۶۵
	نمره‌ی کل رضایت زناشویی	۴۰۰	۷۲	۲۰۲	۱۳۷/۸۲	۲۶/۵۵
تمایز یافتگی	موقعیت من	۴۰۰	۱۱	۵۴	۳۱/۶۲	۹/۷۵
	واکنش هیجانی	۴۰۰	۱۱	۵۲	۲۹/۱۰	۱۰/۵۱
	جدایی هیجانی	۴۰۰	۱۱	۵۲	۲۶/۸۵	۹/۹۹
	هم‌آمیختگی	۴۰۰	۱۱	۵۶	۳۰/۶۲	۱۰/۷۵
	نمره‌ی کل تمایز یافتگی	۴۰۰	۵۱	۱۹۳	۱۱۸/۲۰	۳۴/۰۰
عملکرد خانواده	ارتباط	۴۰۰	۷	۲۴	۱۵/۲۲	۳/۵۸
	آمیزش عاطفی	۴۰۰	۸	۲۶	۱۶/۳۲	۴/۰۵
	ایفای نقش	۴۰۰	۹	۲۸	۱۸/۵۰	۴/۵۹
	نمره‌ی کل عملکرد خانواده	۴۰۰	۲۴	۷۸	۵۰/۰۴	۱۲/۲۳

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین متغیرها

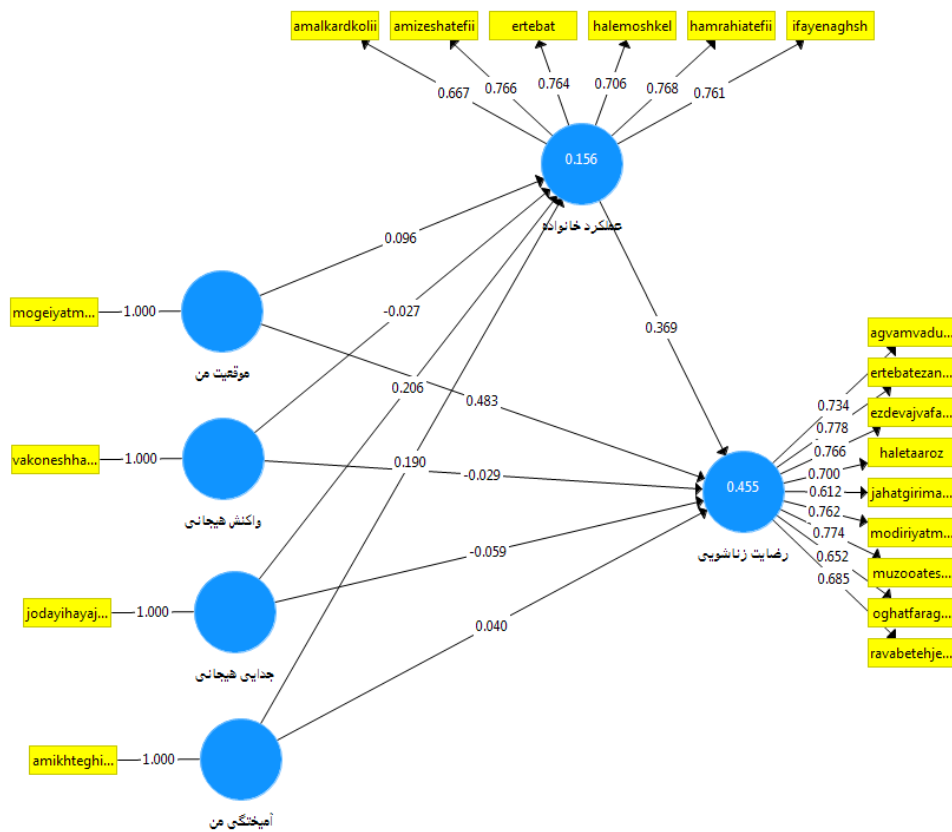
موضوعات شخصیتی	ارتباط زناشویی	حل تعارض	مدیریت مالی	اوقات فراغت	روابط جنسی	ازدواج و فرزندان	اقوام و دوستان	جهت‌گیری مذهبی	رضایت زناشویی
۰/۴۲۶**	۰/۴۲۷**	۰/۳۹۶**	۰/۴۳۷**	۰/۳۸۲**	۰/۳۵۷**	۰/۴۲۱**	۰/۳۷۷**	۰/۳۴۳**	۰/۵۵۱**
۰/۴۶۸**	۰/۴۳۷**	۰/۴۴۵**	۰/۴۵۰**	۰/۳۷۵**	۰/۳۶۹**	۰/۴۴۸**	۰/۴۲۰**	۰/۳۶۹**	۰/۵۸۵**
۰/۳۱۴**	۰/۲۹۶**	۰/۲۸۶**	۰/۳۲۹**	۰/۲۶۲**	۰/۲۲۳**	۰/۳۲۸**	۰/۲۴۸**	۰/۲۴۱**	۰/۳۹۰**
۰/۲۵۱**	۰/۲۶۲**	۰/۲۲۴**	۰/۳۲۶**	۰/۳۰۳**	۰/۲۴۱**	۰/۲۶۱**	۰/۲۷۱**	۰/۲۶۱**	۰/۳۷۰**
۰/۳۸۲**	۰/۴۲۰**	۰/۳۶۱**	۰/۳۵۰**	۰/۳۲۸**	۰/۳۵۲**	۰/۳۶۱**	۰/۳۱۸**	۰/۲۷۱**	۰/۴۸۷**
۰/۳۵۹**	۰/۴۰۰**	۰/۳۴۰**	۰/۳۸۷**	۰/۳۱۱**	۰/۳۸۰**	۰/۳۸۹**	۰/۳۴۰**	۰/۳۰۰**	۰/۴۹۴**

*: معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ **: معنی‌داری در سطح ۰/۰۱

جدول ۴. آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی عملکرد خانواده در ارتباط بین تمایز یافتگی با رضایت زناشویی

ضریب استاندارد	خطای انحراف معیار	آزمون T	سطح معنی‌داری
۰/۰۱۲	۰/۰۴۵	۳/۶۳۲	۰/۰۰۱

تمایز یافتگی - عملکرد خانواده - رضایت زناشویی



شکل ۱. مدل ساختاری روابط بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی با رضایت زناشویی با توجه به نقش میانجی عملکرد خانواده

جدول ۵. ضرایب استاندارد مستقیم رگرسیون مدل مفروض شده پژوهش

ضریب استاندارد	انحراف معیار	t	سطح معنی‌داری	
۰/۰۴۰	۰/۰۵۶	۰/۷۰۷	۰/۴۸۰	هم‌آمیختگی - رضایت زناشویی
۰/۱۹۰	۰/۰۸۰	۲/۳۷۹	۰/۰۱۸	هم‌آمیختگی - عملکرد خانواده
-۰/۰۵۹	۰/۰۴۷	۱/۲۵۱	۰/۲۱۱	جدایی هیجانی - رضایت زناشویی
۰/۲۰۶	۰/۰۵۶	۳/۶۵۷	< ۰/۰۰۱	جدایی هیجانی - عملکرد خانواده
۰/۳۶۹	۰/۰۴۰	۹/۱۵۵	۰/۰۰۱	عملکرد خانواده - رضایت زناشویی
۰/۴۸۳	۰/۰۶۷	۷/۲۰۳	۰/۰۰۱	موقعیت من - رضایت زناشویی
۰/۰۹۶	۰/۰۹۴	۱/۰۲۴	۰/۳۰۶	موقعیت من - عملکرد خانواده
-۰/۰۲۹	۰/۰۵۸	۰/۵۰۰	۰/۶۱۷	واکنش هیجانی - رضایت زناشویی
-۰/۰۲۷	-۰/۰۷۰	۰/۳۷۷	۰/۷۰۶	واکنش هیجانی - عملکرد خانواده

میانجی متغیر عملکرد خانواده در ارتباط بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی با رضایت زناشویی گزارش شده است.

بر طبق یافته‌های گزارش شده در جدول ۶ مشخص است که عملکرد خانواده توانست به عنوان متغیر میانجی رابطه‌ی بین دو مؤلفه‌ی هم‌آمیختگی و جدایی هیجانی را با رضایت زناشویی را میانجی‌گری کند. با این حال، عملکرد خانواده نتوانست به عنوان متغیر میانجی مؤلفه‌های موقعیت من و واکنش هیجانی باشد.

مؤلفه‌ی موقعیت من، بر روی رضایت زناشویی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد ($B = 0.483, P < 0.01$). ولی بر روی عملکرد خانواده تأثیر معنی‌داری ندارد. مؤلفه‌ی واکنش هیجانی هیچ تأثیر معنی‌داری بر رضایت زناشویی و عملکرد خانواده ندارد.

برای بررسی نقش میانجی متغیر عملکرد خانواده در ارتباط بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی با رضایت از آزمون بوت استرپینگ استفاده شد. در جدول ۶، نتیجه‌ی آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش

جدول ۶. آزمون بوت استرپینگ برای بررسی نقش میانجی عملکرد خانواده در ارتباط بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی با رضایت زناشویی

ضریب استاندارد	انحراف معیار	t	سطح معنی داری
۰/۰۷۰	۰/۰۳۱	۲/۲۸۷	۰/۰۲۳
۰/۰۷۶	۰/۰۲۲	۳/۴۴۴	۱/۰۰۱
۰/۰۳۶	۰/۰۳۵	۱/۰۲۷	۰/۳۰۵
-۰/۰۱۰	۰/۰۲۶	۰/۳۷۳	۰/۷۱۰

بحث

این پژوهش با هدف طراحی مدل ساختاری مناسب برای پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین بر اساس سطح تمایز یافتگی با میانجی‌گری عملکرد خانوادگی انجام شد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به دو سؤال پژوهش بود که عبارت بود از: ۱- سهم تمایز یافتگی زوجها در پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین با نقش میانجی‌گیری عملکرد خانوادگی در مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان شهر تهران چقدر است؟ ۲- سهم مؤلفه‌های تمایز یافتگی زوجها در پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین با نقش میانجی‌گیری عملکرد خانوادگی در مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان شهر تهران چقدر است؟

یافته‌های سؤال اول نشان داد که عملکرد خانوادگی، نقش میانجی‌گرانه‌ی معنی‌داری در ارتباط بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی ایفا می‌کند. بنای بدست آمده ۰/۰۱۲ می‌باشد که در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار است. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش‌های قبلی می‌باشد (۱۳-۱۷). در تبیین همسویی این یافته‌ها می‌توان از دو منظر پژوهشی و نظری به موضوع پرداخت. به عنوان مثال از منظر پژوهشی، تحقیق حاضر همسو با مطالعه‌ی رجبی و همکاران بود (۲۰)؛ بدین صورت که در هر دو پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری استفاده شده بود و تمایز یافتگی و رضایت زناشویی جزء متغیرهای مشترک این دو تحقیق می‌باشد.

در مثال دیگر، جامعه آماری پژوهش رجبی و همکاران نیز همانند جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر، زوجین ساکن در تهران تشکیل می‌دادند (۲۲). مقایسه‌ی روش پژوهش و جامعه‌ی آماری در تبیین همسویی یافته‌ها از آن جهت اهمیت دارد که تحلیل داده‌ها با روش یکسان می‌تواند در مقایسه با تحلیل داده با روش‌های دیگر، نتایج نزدیک به هم ارائه دهد. نزدیکی جامعه آماری به همدیگر هم امکان همگونی نمونه‌های شرکت‌کننده در پژوهش را تقویت می‌کند؛ لذا یکی از دلایل همسو بودن یافته‌ها را شاید بتوان همین نزدیکی نمونه‌ها از منظر ویژگی‌های مختلف به هم دانست.

با بررسی مبانی نظری هم می‌توان چنین نتیجه گرفت که تمایز یافتگی به معنای شناخت خود به عنوان یک فرد موجود مستقل

می‌باشد (۸). افراد تمایز یافته افرادی هستند که در زندگی و عملکردشان به خودشان متکی هستند و بیش از حد به دیگران وابسته نیستند (۱۵)؛ این افراد می‌توانند در شرایط استرس‌زا انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان دهند و هیجانات خود را مدیریت کنند و پاسخ‌های منطقی‌تری از خود بروز دهند. افراد تمایز یافته توانایی ترکیب تفکر و احساسات را دارند و در ایجاد صمیمیت با دیگران در حالیکه خویشتن خود را حفظ می‌کنند، توانمند هستند (۲۲). چنین ویژگی‌هایی به فرد کمک می‌کند تا عملکرد خانوادگی بهتری از خود نشان دهد. برای مثال، در هنگام مواجهه با تنش‌های هیجانی و احساسی که ممکن است بین اعضای خانواده در روابط شان رخ دهد، می‌توانند این شرایط هیجانی و استرس‌زا را مدیریت نمایند.

همانطور که Asadollahinia و Ghahari بیان کردند، افراد با سطح تمایز یافتگی بالا، سازگاری بیشتر و توانایی بالاتری برای کنار آمدن با استرس و هیجان را دارند و صمیمیت عاطفی بیشتری را ضمن حفظ مرزهای مناسب تجربه می‌کنند (۱۲). بنابراین، ایجاد صمیمیت در عین حفظ احترام و برخی مرزها که در روابط خانوادگی یک ضرورت است را می‌توان از یک فرد با سطح تمایز یافتگی بالا انتظار داشت. لذا، تأثیر مثبت تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی از طریق نقش میانجی‌گری عملکرد خانوادگی منطبق بر مبانی نظری می‌باشد.

در سؤال دوم که محقق به دنبال تعیین مقدار رابطه‌ی مؤلفه‌های تمایز یافتگی زوجین با رضایت زناشویی زوجین با نقش میانجی‌گیری عملکرد خانوادگی در مراجعه کنندگان به مراکز مشاوره و راهنمایی انجمن اولیا و مربیان شهر تهران بود. نتایج تحلیل داده‌ها برای این سؤال نشان داد که مؤلفه‌ی هم‌آمیختگی، تأثیر مستقیمی بر رضایت زناشویی نداشت ولی بر روی عملکرد خانوادگی تأثیر مستقیم داشت. مؤلفه‌ی جدایی هیجانی نیز تأثیر مستقیم معنی‌داری بر رضایت زناشویی نداشت ولی بر روی عملکرد خانواده، تأثیر مستقیم و معنی‌دار داشت.

مؤلفه‌ی موقعیت من بر روی رضایت زناشویی تأثیر مستقیم و معنی‌داری دارد، ولی بر روی عملکرد خانواده تأثیر معنی‌داری نداشت. مؤلفه‌ی واکنش هیجانی هم هیچ تأثیر معنی‌داری بر رضایت زناشویی و عملکرد خانواده نداشت. اما در رابطه با نقش میانجی

همدیگر را تکمیل و سطح تمایز یافتگی را بیشتر می‌کنند. در چنین حالتی انتظار می‌رود که روابط زناشویی هم به خوبی جلو برود و روابط صمیمانه‌ای بین زوجین حاکم باشد که خود منجر به رضایت زناشویی می‌شود (۲۴-۲۸).

این پژوهش نیز مانند سایر تحقیقات، با محدودیت‌هایی مواجه بود؛ نتایج پژوهش محدود به شهر تهران و زوجین ساکن در این شهر بود؛ بنابراین باید در تعمیم آن به جوامع و شهرهای دیگر جانب احتیاط رعایت شود. به دلیل محدودیت‌های ناشی از نوع پژوهش و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها که از نوع خودگزارش‌دهی بوده است، جامعه‌ی آماری و عدم کنترل متغیرهایی نظیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید در تعمیم یافته‌های حاصل از آن جانب احتیاط را رعایت نمود. با توجه به این که فرهنگ و بافت ویژه‌ی هر جامعه از متغیرهای مهم مؤثر در تعهد زناشویی است، پیشنهاد می‌شود این متغیر در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

آنچه که از این گفتار جمع‌بندی می‌شود نقش مهم و سازنده‌ی تمایز یافتگی و مؤلفه‌های آن با نقش میانجی عملکرد خانوادگی در بهبود و ارتقای رضایت زناشویی بود. رضایت زناشویی، به‌عنوان عامل مهم در تعیین موفقیت یا عدم موفقیت روابط زناشویی می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده‌ای در کارآمدی عملکرد زناشویی داشته باشد.

تشکر و قدردانی

این مقاله متیج از طرح پایان‌نامه‌ی مقطع دکتری رشته مشاوره می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن تصویب و با حمایت مالی دانشگاه به انجام رسیده است. بدین‌وسیله از زحمات شرکت‌کنندگان در این مطالعه تقدیر و تشکر می‌شود.

عملکرد خانواده در رابطه بین ابعاد تمایز یافتگی و رضایت زناشویی، نتایج نشان داد که عملکرد خانواده توانست به عنوان متغیر میانجی رابطه بین دو مؤلفه‌ی آمیختگی من و جدایی هیجانی را با رضایت زناشویی را میانجی‌گری کند. با این حال، عملکرد خانواده نتوانست به عنوان متغیر میانجی مؤلفه‌های موقعیت من و واکنش هیجانی باشد. یافته‌های این پژوهش همسو با نتایج پژوهش‌های قبلی می‌باشند (۴، ۷، ۱۸).

در تبیین کلی تمایز یافتگی می‌توان به تبیین و بحث صورت گرفته در سؤال اول رجوع کرد. اما در رابطه با مؤلفه‌های تمایز یافتگی، یکی از مؤلفه‌های مهم «موقعیت من» یا «جایگاه من» می‌باشد. همانطور که اشاره شد، افرادی که به سطح تمایز یافتگی بالایی دست یافته‌اند، تعریف دقیق و درستی از جایگاه خود نسبت به دیگران داشته‌اند، مرزبندی مشخص و در عین حال که روابط صمیمانه‌ای که با اعضای خانواده و دیگران دارند، برگرفته از همین تعریفی است که از موقعیت و جایگاه خود دارند. در روابط زناشویی، این مؤلفه پررنگ‌تر می‌شود. چرا که در برخی موارد به نظر می‌رسد که زوجین تعریف درست و شناخت دقیقی از خود و خواسته‌های‌شان ندارند و نمی‌توانند در عین حال که با همسر خود صمیمی هستند، مرزبندی نسبت به عقاید، افکار و احساسات خود داشته باشند. در چنین شرایطی تعارضاتی بین زوجین شکل می‌گیرد که می‌تواند منجر به کاهش رضایت زناشویی شود. بنابراین، آگاهی از جایگاه و موقعیت خود می‌تواند نقش مثبتی در رضایت زناشویی بازی کند.

در رابطه با هم‌آمیختگی با دیگران نیز این قصه از زاویه‌ی دیگری حکایت می‌شود. در موقعیت من فرد جایگاه خود و مرزبندی خود را از افکار، احساسات، عقاید و هیجانات خود مشخص می‌کند و در هم‌آمیختگی با دیگران فرد تلاش می‌کند تا ضمن احترام به خود، روابط صمیمانه با دیگران برقرار کند. بنابراین، موقعیت من و هم‌آمیختگی با دیگران را می‌توان لازم و ملزوم یکدیگر دانست که

References

- Nahidi M, Nahidi Y, Kardan G, Jarahi L, Aminzadeh B, Shojaei P, et al. Evaluation of sexual life and marital satisfaction in patients with anogenital wart. *Actas Dermosifiliogr (Engl Ed)* 2019; 110(7): 521-5.
- Xie J, Zhou ZE, Gong Y. Relationship between proactive personality and marital satisfaction: A spillover-crossover perspective. *Pers Individ Dif* 2018; 128: 75-80.
- Tashvighi M, Rezaei Mollajegh R, Neisi S, Tayyari E. Developing a marital satisfaction model based on self-compassion and emotion regulation: the mediating role of psychological flexibility [in Persian]. *Cultural Psychology*, 2023; 6(2): 65-82.
- Bowen M. Theory in the practice of psychotherapy. *Family therapy: Theory and Practice* 1976; 4: 2-90.
- Afsar M, Foroutan M, Karamad J, Salehizadeh M, Kashani P. Investigation the Mediating Role of Differentiation of Self in Relationship between Depression and Marital Satisfaction. *Caspian Sea J* 2016; 10(1): 167-72.
- Shahjoei Y, Tizdast T, Zarbakhsh Bahri M. Structural model of marital satisfaction based on emotion regulation strategies with the mediating role of personality traits in women with premenstrual syndrome [in Persian]. *Rooyesh* 2023; 12 (4): 117-26.
- Patrick S, Sells JN, Giordano FG, Tollerud TR. Intimacy, differentiation, and personality variables as

- predictors of marital satisfaction. *Family Journal* 2007; 15(4): 359-67.
8. Ghaffari Asle Ganjineh Ketab H, Safurayee Parizi MM, Abdi Zarrin S. Development of a Marital Satisfaction Model Based on Self-Differentiation with the Mediating Role of Family Boundaries [in Persian]. *Biquarterly Journal of Studies in Islam & Psychology* 2024; 18(34): 33-57.
 9. Teimourpour N, Moshtagh-Bidokhti N, Pourshanbaz A. The Relationship of Attachment Styles, Marital Satisfaction and Feeling of Sex Guilt with Sexual Desire in Women [in Persian]. *Journal of Clinical Psychology* 2011; 2(3): 1-15.
 10. Titelman P. Family systems assessment based on Bowen theory. In: Titelman P. Editor. *Clinical applications of Bowen family systems theory*. London, UK: Routledge 2014. p. 51-68.
 11. Skowron EA. The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling Psychology* 2000; 47(2): 229-37.
 12. Asadollahinia M, Ghahari S. The role of differentiation of self and schema modes in prediction of rumination and compulsive behaviors in adolescents. *Asian J Psychiatr* 2018; 36: 88-9.
 13. Atangana E. The relationship between differentiation of self, marital expectations, and marital satisfaction for the middle and later stage married adults. [Thesis]. Minneapolis, MN: Capella University; 2010.
 14. Matise M. The enneagram: An enhancement to family therapy. *Contemporary Family Therapy* 2019; 41(1): 68-78.
 15. Fish JN, Pavkov TW, Wetchler JL, Bercik J. Characteristics of those who participate in infidelity: The role of adult attachment and differentiation in extradyadic experiences. *The American Journal of Family Therapy* 2012; 40(3): 214-29.
 16. Giles D. *Advanced research method in Psychology*. London, UK: Routledge; 2013.
 17. Lookzadeh S, Kiani A, Taghavi K, Kianersi S, Emami H, Mirenayat M, et al. Evaluation of the reliability and validity of the Persian version of the fatigue assessment scale in Iranian sarcoidosis patients. *Open Access Macedonian Journal of Medical Sciences* 2018; 6(7): 1310.
 18. Epstein NB, Bishop DS, Levin S. The McMaster model of family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy* 1987; 4(4): 19-31.
 19. Beirami, M. Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components [in Persian]. *Journal of Fundamentals of Mental Health* 2012; 14(53): 66-77.
 20. Skowron EA, Friedlander ML. The differentiation of self inventory: development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology* 1998; 56(4): 597-8.
 21. Rajabi S, Alimoradi KH, Moradi N. The relationship between structural of spiritual well-being and marital satisfaction with the mediating role of emotional intelligence and self-differentiation [in Persian]. *Psychological Methods and Models* 2017; 8(28): 19-48.
 22. Rajabi G, Jamali A, Taghipour M. The relationship between secure attachment style, self-differentiation (I-position) and marital satisfaction mediating couple optimism [in Persian]. *Journal of Counseling Research* 2016; 14(56): 45-66.
 23. Bartlett JJ. Motivating emotions: emotionism and the internalist connection. *Axiomathes: An International Journal in Ontology & Cognitive Systems* 2022; 32(4): 711-31.
 24. Burri A, Schweitzer R, O'Brien J. Correlates of female sexual functioning: Adult attachment and differentiation of self. *J Sex Med* 2014; 11(9): 2188-95.
 25. Derrick JL, Houston RJ, Quigley BM, Testa M, Kubiak A, Levitt A, et al. (Dis) similarity in impulsivity and marital satisfaction: A comparison of volatility, compatibility, and incompatibility hypotheses. *J Res Pers* 2016; 61: 35-49.
 26. Lal A. Relationship among differentiation of self, relationship satisfaction, partner support, depression, monitoring/blunting style, adherence to treatment and quality of life in patients with chronic lung disease. [Thesis]. Columbus, OH: The Ohio State University; 2006.
 27. Timm TM, Keiley MK. The effects of differentiation of self, adult attachment, and sexual communication on sexual and marital satisfaction: A path analysis. *J Sex Marital Ther* 2011; 37(3): 206-23.
 28. Xie J, Shi Y, Ma H. Relationship between similarity in work-family centrality and marital satisfaction among dual-earner couples. *Personality and Individual Differences* 2017; 113: 103-8.

Designing a Suitable Structural Model to Predict the Marital Satisfaction of Couples Based on the Level of Differentiation with the Mediation of Family Functioning

Farideh Dokaneifard¹, Nahid Kermani²

Original Article

Abstract

Background: This research aims to design an appropriate structural model to predict the couple's marital satisfaction based on the level of differentiation with the mediation of family functioning.

Methods: This was applied research of quantitative approach and correlation method was used. The statistical population includes all couples referring to 23 counseling centers and guidance associations of parents and teachers in Tehran city in 2015-2016, which were 200 men and 200 women. The cluster sampling method was used in this research. The data collection tools were the McMaster Family Assessment Device (FAD), Enrich (Evaluation & Nurturing Relationship Issues Communication and Happiness), Marital Satisfaction Scale, and Differentiation of Self Inventory (DSI).

Findings: The research results showed that family functioning plays a mediating role in the relationship between marital satisfaction and differentiation level. Family functioning could mediate the relationship between marital satisfaction and the two components of emotional fusion and emotional fault. However, family functioning could not mediate the components of "I-position" and emotional reactivity.

Conclusion: The results of this study led to the development of an appropriate structural model to explain the relationship between levels of differentiation and marital satisfaction with the mediation role of family functioning.

Keywords: Marriage; Personal satisfaction; Family planning personnel evaluation

Citation: Dokaneifard F, Kermani N. **Designing a Suitable Structural Model to Predict the Marital Satisfaction of Couples Based on the Level of Differentiation with the Mediation of Family Functioning.** J Isfahan Med Sch 2024; 42(781): 749-58.

1- Associate Professor, Department of Counseling, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran

2- PhD Student of Counseling, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran

Corresponding Author: Nahid Kermani, PhD Student of Counseling, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran; Email: na.kermani11@gmail.com